

# مطالعه تطبیقی سیر تحول و تطور زیورآلات ایران در دوره هخامنشی و اشکانی<sup>۱</sup>

سپیده یاقوتی<sup>۲</sup>

ابوالقاسم دادور<sup>۳</sup>

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۰۱

## چکیده

سرزمین ایران با دارا بودن ذخایر معدنی، جاذبه‌های طبیعی و دست‌ساخته‌های ارزشمند هنری و نیز تنوع و گوناگونی فرهنگ و اندیشه در ادوار مختلف تاریخی بر هنر و تمدن سایر ملل تأثیرگذار بوده و همواره، دارای جایگاه شایان توجهی در جهان است. این منابع طبیعی و خدادادی از یک سو و تاریخ و تمدن کهن آن از سوی دیگر، زمینه‌ساز و پشتوانه فعالیت‌های تولیدی-اقتصادی و نیز سبب غنای اجتماعی و تنوع فرهنگی در تمامی ادوار تاریخی آن بوده است. هدف اصلی در این مقاله، رسیدن به یک منظر روشن از خط سیر و تکامل و تحول زیورآلات در ایران باستان از ابتدای دوره هخامنشی تا انتهای دوره اشکانی است. در این راستا، ابتدا، به بررسی جنبه‌های مختلف هنری و کاربردی برخی از آثار گران‌بهای کشف شده از دو دوره متوالی هخامنشی و اشکانی و سپس، به بازنمایی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در آن‌ها از طریق تطبیق موضوعی نقش‌مایه‌ها و فرم‌های به‌کاررفته و معرفی سنگ‌های قیمتی و کاربردی در هنر زینتی آنان می‌پردازیم. گردآوری اطلاعات در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای (اسنادی)، روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی است. یافته‌ها نمایان‌گر وجوه اشتراک و افتراق فرم و نقش اشیای گران‌بهای مکشوفه و به‌ویژه، آرایه‌ها و زیورآلات برجای مانده از این دو دوره و نقش مهم آنان در بازنمایی تأثیر اعتقادات، اساطیر و باورهای ایرانیان در ادوار مختلف بر یکدیگر و بر سایر ملل است.

**واژه‌های کلیدی:** ایران باستان، جواهرات، زیورآلات، هخامنشی، اشکانی

1-DOI: 10.22051/jjh.2017.9873.1106

۲- دکترای پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) sep.yaghooti@gmail.com

۳- استاد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. a.dadvar@alzahra.ac.ir

اشکال مختلف هنرهای تزئینی آنان بوده‌اند. هدف از این پژوهش، بررسی آرایه‌ها و زیورآلات دو دوره هخامنشی و اشکانی به‌عنوان نمادهایی از فرهنگ و تمدن فلات ایران و یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های مابین آنان، با رویکردی تطبیقی و پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

کاربرد سنگ‌های زینتی در زیورآلات ایران در طی این دو دوران به چه صورت بوده است؟

آیا طرح‌ها و نقشمایه‌های زیورآلات هخامنشی و اشکانی تأثراتی از زیورآلات و اشیای تمدن‌های دیگر و نیز دوره‌های پیش از خود داشته‌اند؟ اگر داشته‌اند، این تأثیرات به چه صورت‌هایی بوده است؟

در این مجال سعی گردیده است تا با بررسی تطبیقی برخی از اشیای گران بها و زیورآلات به‌جای مانده از دو دوره هخامنشی و اشکانی و ریشه‌یابی نقشمایه‌ها و طرح‌های موجود در آن‌ها، هم‌چنین، کاربرد سنگ‌های زینتی در تولید و پرداخت این آثار به نتایجی در ارتباط با فرهنگ و تمدن این دو سلسله با یکدیگر و با سایر ملل دست یابیم.

### پیشینه پژوهش

به‌طور کلی، به موضوع جواهر و زیورآلات نسبت به دیگر گرایش‌های هنر ایران کم‌تر توجه شده است و کتاب‌ها و مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها در این باره، به‌خصوص در زمینه دوره هخامنشی و اشکانی بسیار محدود هستند. در این زمینه، به موارد اندکی برمی‌خوریم که، بیش‌تر شامل مواردی در مورد تاریخچه زیورآلات ایران و مقایسه آن با سایر کشورها بوده است؛ در پایان‌نامه «زیورآلات ایلامی» نوشته ساناز تقیپور اشلقی (۱۳۸۵)، سوالات اصلی چنین مطرح شده است؛ آیا زیورآلات علاوه بر جنبه تزئینی، کاربرد دیگری در میان ایلامیان داشته است؟ در تهیه زیورآلات از چه موادی بیش‌تر استفاده می‌شده است؟ در کدام منطقه از گستره تمدن ایلام زیورآلات بیش‌تری به‌دست آمده است؟ که در طول پژوهش، سعی بر پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها می‌شود. در مقاله «بررسی روند تکامل زیورآلات ملیله از دوران هخامنشی تا سلجوقی» نوشته سمیه اربابی و الهه ایمانی (۱۳۹۲)، نمونه زیورآلات و تندیس‌های تزئینی ملیله‌کاری شده دوره هخامنشی و سلجوقی در موزه‌ها از لحاظ فرم و تکنیک ساخت و نقوش مورد بررسی قرار گرفته است تا روند تکامل این هنر روشن‌تر شود. در تحقیق حاضر، ابتدا، به‌چگونگی تکنیک ساخت ملیله‌کاری و تاریخ مختصری درباره آن پرداخته شده است و سپس، به معرفی

استفاده از زیورها و سنگ‌های قیمتی به‌اندازه تاریخ بشر قدمت دارد. در ابتدا، زیورآلات نزد انسان‌ها جنبه حفاظتی در برابر نیروهای شر و بیماری‌ها را داشته و پس از آن، زیورآلات را به‌عنوان یکی از کهن‌ترین اشکال هنر تزئینی می‌توان پاسخی به نیاز عمیق انسان به تزئین خود دانست. پاسخ به این نیاز در ادوار مختلف زندگی بشر از اواخر دوران پارینه‌سنگی میانه تا کنون، به‌صورت زیورآلاتی چون آویزها از جنس هماتیت<sup>۱</sup> و مهره‌ها از صدف گوش‌ماهی، دندان حیوانات یا سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی با فلزات گوناگون به‌عنوان نماد فرهنگی-تمدنی یا طبقاتی عرضه شده است. اگرچه سرآغاز تولید و استفاده از زیورآلات فلزی توسط انسان و تغییر شکل آن با اکتشاف و استخراج سنگ‌های زینتی هم‌زمان بوده؛ اما این‌که زیورآلات از چه زمانی در اجتماعات انسانی به معیاری برای نشان دادن مقام اجتماعی و ثروت تبدیل شده، کاملاً مشخص نیست. از دگرسوی، پیوستگی هنر و زندگی در طول تاریخ بشر همواره مطرح بوده است؛ ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به‌واسطه هنرهای گوناگون و درخشان شهرت جهانی یافته است. به‌طوری‌که متجاوز از دو هزار سال است که دنیای متمدن قدیم و جدید قریحه ایرانی را در زیبایی و جمال ستوده است. افزون بر این‌که، هنر ایرانی بر تزیین استوار است؛ به‌عبارت دیگر، نمی‌توان تاریخ زندگی جوامع مختلف بشری را در ایران و به‌طور کلی در جهان از تاریخ زیورآلات آن جدا دانست. در این راستا می‌توان دو دوره هخامنشی و اشکانی را به دلیل تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود هنری و کاربردی و تأثیرپذیری متقابل از یکدیگر و نیز هنر و تمدن سایر ملل متقارن مطرح نمود و این ادوار را در صنعت فلزکاری و استفاده از زیورآلات و سنگ‌های زینتی و نقشمایه‌ها و نمادهای مختلف، نقطه عطفی در این باره به حساب آورد. آن‌چنان‌که در قطعات به‌دست آمده از مناطقی که محل شکوفایی هنر و تمدن دو سلسله مذکور بوده است، طرح‌ها و نقشمایه‌هایی از دیگر سرزمین‌ها یافت می‌شود که ریشه در ارتباطات صنعتی و فکری بین دو سرزمین دارد. نقشمایه‌های اصلی و محوری در این دو سلسله از باورها و تفکرات مردم آن زمان سرچشمه می‌گیرند و زیورآلات هم‌مانند دیگر آثار برجای مانده از این دو دوره، متأثر از تفکرات و باورهای یادشده هستند. تجلی اسطوره‌ها و نمادهای رایج آن زمان بر زیورآلات این ادوار کاملاً مشهود بوده و سنگ‌های زینتی نیز عناصری مهم در ساختمان

و ویژگی های آثار زیورآلات هخامنشی و سلجوقی توجه شده تا روند تکامل این هنر در این ادوار آشکار شود. کتاب «هنر ایران در دوره هخامنشی و ماد» از زمان گیریشمن (۱۳۴۶)، با بررسی و معرفی نمونه های موجود و برخورداری از تصاویر و نیز اطلاعات شاخص و غنی از نمونه های موجود از منابع مهم در این زمینه است. از دیگر منابع ارزشمند تحقیق و مراجعه در زمینه پژوهش حاضر کتاب «شاهکارهای هنر ایران» اثر آرتور آپهام پوپ (۱۳۸۷) و کتاب «۳۵۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی» از مهرآسا غیبی (۱۳۹۱) هستند که با دسته بندی تاریخی و معرفی نمونه های موجود در هر دوره اطلاعات مفید و ارزشمندی را در اختیار محققان قرار می دهند. با توجه به منابع ذکر شده مشخص گردید، اگر چه از این دست منابع کلی و اطلاعات محدود در اینباره بسیار به چشم می خورند، اما تاکنون، بیش تر تحقیقات انجام شده درباره زیورآلات ایران در دوران باستان و پس از آن، بررسی فرم و نقش و به طور کلی، صورت این آرایه ها بوده و به بخش اساسی آن، که بررسی محتوایی و موضوعی و زمینه های تولید و عوامل موثر در سیر تحول و تطور فرم و نقش آنان است، کم تر توجه شده است؛ لذا، این پژوهش با توجه به ضرورت پیگیری این بخش از هنر، با پیگیری تاریخی و مشاهده و تطبیق نمونه های موجود و مشابه دو دوره هخامنشی و اشکانی و استخراج داده ها از منابع اصلی در صدد پرداختن از زاویه ای نو به فرهنگ، هنر و تمدن اصیل ایرانی است. در این راستا، بررسی و انطباق دستاوردهای پژوهش بر نمونه هایی که به صورت هدفمند انتخاب شده اند، کمک شایانی به بازنمایی یافته ها خواهد نمود.

### انگیزه و گستره استفاده از زیورآلات در تمدن بشری

فلزات و سنگ های قیمتی از دیرباز در دست های ماهر بشر به شکل های تزئینی و هنری درآمدند؛ تا به عنوان زیور شخصی در راه نمایش مقام و موقعیت اجتماعی و یا در جهت درمان جسم و روح در مراسم آیینی، به کار برده شود. انسان های نخستین، انواع صدف ها را با الیاف نباتی رشته کرده و به گردنشان می آویختند. آنان قاب و مهره های استخوانی و گوش ماهی را با مختصر تغییر به صورت زیور آلات در آورده و مورد استفاده قرار می دادند (ریاضی، ۱۳۷۵: ۱۴). با ترک کوچنشینی در دوره نوسنگی و گذار از مرحله شکار به مرحله کشاورزی و کشف آتش و چرخ، انسان به مرحله صنعت سوق داده شد و با ذوب فلزات می توانست اشیای گوناگونی بسازد که مجموع این عوامل

در دوران های مختلف سبب دگرگونی در شکل و جنس زیورآلات گردید. از زمان های دیرین و در حدود ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح (ع) در مصر و قریب به ۲۵۰۰ قبل از میلاد در میان رودان (بین النهرین)، جواهرات و آرایه های دل انگیزی ساخته می شد (پوپ، ۱۳۸۷: ۸۷). گذشت روزگاران نشان داده است که خودآرایی انسان ها به دارایی و فقرشان بستگی داشته است و منحصر به نژاد و قومی خاص نبوده است. نژادها و اقوام در این راستا، با هر چه که گمان کرده اند که موجب زینتشان می شود، خود را آراسته اند و با این جلوه گیری هم چون یک نیاز حتمی و حیاتی برخورد نموده اند و در هر زمانی وسایل موجود را - اعم از طلا، نقره، آهن، شیشه، گچ، سنگ و صدف - به کار گرفته اند (ضیاء پور، ۱۳۴۸: ۵). نخستین علت پیدایش هنر، میلی است که انسان به زیبا جلوه دادن خود دارد. بشری خواهد احساس خود را با قالب های مادی تعبیر کند. او رنگ و شکل را وسیله این تعبیر قرار می دهد؛ از این رو، هنر وقتی آغاز می شود که انسان به فکر تزئین می افتد. در این میان، جواهرات از کهن ترین عناصر مدنیت به شمار می روند (دورانت، ۱۳۵۴: ۱۳۲-۱۳۳). در گذشته آویختن جواهرات معمولاً، تابع تسلط حکومت ها و مبین ارزش ها، موقعیت اجتماعی، فرهنگی و معنوی افراد، گاهی، سمبلی برای اظهار قدرت و نشانه اهمیت و امتیاز طبقه خاصی از مردم آن جامعه، گاهی، هم سو با اعتقادات فرهنگی و دینی مردمان آن روزگاران بوده و گاهی نیز با رشد علایق خرافی، بیوند خورده است. در حقیقت، گستره استفاده از زیورآلات نه به جنس و طبقه خاص محدود شده و نه کاربردی منحصر به فرد به عنوان شی زینت بخش دارد.

### تاریخچه آرایه ها و زیورآلات در ایران باستان

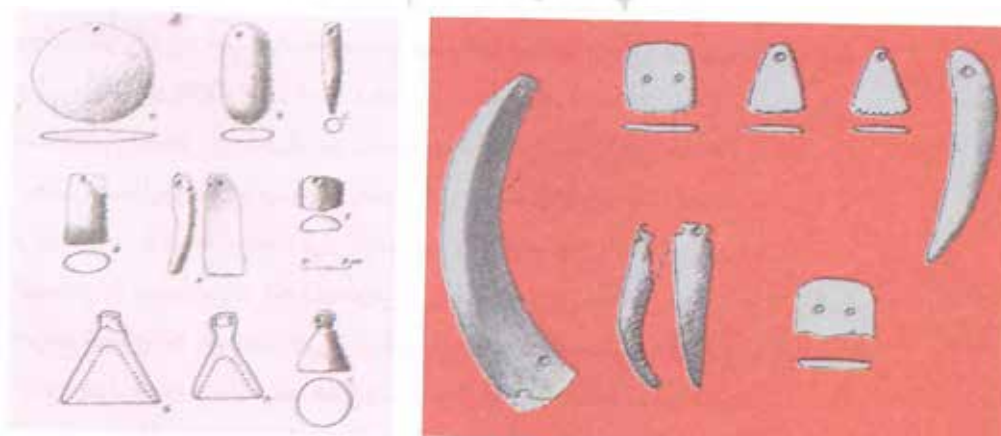
از قدیمترین ایام در فلات ایران، زنان و مردان به زیبایی و جمال توجه داشته و خود را می آراسته اند. در این میان، زیبایی و خودآرایی زنان جنبه های دلربایی برای مرد را داشته و در مردان برای ازدیاد وحشت و فریب در برابر خصم های گوناگون بوده است. در کاوش های باستان شناسی در گوشه و کنار فلات ایران، به انواع بی شماری از جواهرآلات و زیورهای سیمین و زرین و برنز، شامل گردنبندها، گوشواره ها، آئینه ها و حتی وسایل و لوازم فردی دست یافته اند که این اشیاء، بیش تر از طریق گوردخمه ها و یا مقابر تابوتی به دست آمده است. ساکنان بومی ایران تا قبل از رسیدن مهاجرین آریایی در مناطقی

چون حاشیه کویر مرکزی ایران به فن ذوب فلزات دست یافتند و دستاورد حاصل از این تکنولوژی، پیشرفت‌های چشم‌گیر در توسعه صنایع و ارتباطات اجتماعی و اقتصادی بود. به طور قطع، چندین سال پس از دوران نوسنگی و رواج کشاورزی با شروع دوران مس<sup>۲</sup> ساکنان ایران با اقوام ساکن بین‌النهرین، مصر و ایلامیان (نخستین قوم ساکن جنوب غربی ایران) ارتباط تجاری برقرار کردند و هنر آنان در ساخت زیورآلات نیز تحت تأثیر تمدن این اقوام وسعت یافت (غیبی، ۱۳۹۱: ۳۳). کشور ما ایران، در اکتشاف مواد معدنی و فنون معدنکاری و به کارگیری مواد معدنی پیش‌تاز بوده است. هوش و نبوغ و دانش مردمان ایران باستان از یک سو و ظرفیت بالای ذخایر معدنی و تنوع آن‌ها و نبود پوشش گیاهی متراکم از سوی دیگر، هم‌چنین، تاریخ طولانی، مرکزیت و برخورد اقوام مختلف در این پهنه سبب شده است که فعالیت‌های معدنی و چگونگی به کارگیری مواد معدنی در تمام دوره‌های تاریخی باستان از چنان رونقی برخوردار باشد که هنوز باستان‌شناسان، معدنکاران و صنعتگران معدنی از دانش معدنکاری آنها در شگفت هستند (فریه، ۱۳۷۴: ۵۸). بطوریکه تاکنون کمتر معدن فلزی شناخته‌ایم که جای پای گذشتگانمان را در آن جا ندیده باشیم. امروزه، صدها مورد معادن باستانی مانند طلا و مس و آهن و سرب و روی و غیره در ایران شناخته شده که در طول صدها سال مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند (مرزبان، ۱۳۸۳: ۷۲). حداقل از هزاره چهارم قبل از میلاد تاکنون ده‌ها کارگاه معدنی، ابزارهای معدنکاری و ذوب و سایت‌های اسکان معدن‌کاران، در ایران شناخته شده است (سعیدی هریسنی و چاپچی امیرخیز، ۱۳۹۱: ۱۱۰). سرهنگ دروویل نویسنده سفرنامه مسافرت در ایران، در این باره می‌گوید: «اشتیاق زنان ایران به زیوروزر، تا حدی است که، گمان نمی‌رود

زنی را در ایران بتوان یافت که فاقد آن باشد. زنان متمکن در این کار راه افراط می‌پیمایند و علاوه بر قطعات درشت جواهر، ده‌ها بازوبند بر بازو و بر هر انگشت دست حلقه‌ای و مرواریدهای درشتی برای زینت کلاه خود دارند»؛ این چنین سماجتی در خودآرایی و جلوه‌گری، به اقرب احتمال، ناشی از خودنهادی است و از هر ریشه‌ای که باشد مردان همیشه این کار را در زنان ستوده‌اند (ضیاءپور، ۱۳۴۸: ۵). هم‌چنین، جواهرات در باورها و آداب و رسوم مذهبی نیز حایز اهمیت فراوان بوده است و تا پیش از اسلام، هنرمندان زرگرو جواهرساز از طرح‌ها و نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی و خیالی - که دارای ارزش‌های سمبلیک و نمادین بوده استفاده می‌کردند (ریاضی، ۱۳۷۵: ۱۸). و این نقوش نمادین به ویژه در دوران هخامنشیان بیش‌تر به چشم می‌خورد. البته، روند استفاده از زیورآلات در ایران تا رواج اسلام ادامه داشته است (غیبی، ۱۳۹۱: ۲۱). در حقیقت، از آن دوران تا کنون و با پیدایش تمدن‌های مختلف پوشاک و تنپوش‌ها به همراه زیورآلات قومی از نشانه‌های تمدن و فرهنگ گردیده است (شاه‌حسینی، ۱۳۹۲: ۸۹).

از میان اشیای گوناگون مکشوفه که کاربرد تزئینی داشته و از تمدن‌های مختلف ایران به دست آمده‌اند، مشاهده می‌کنیم که، نقش‌مایه‌ها و طرح‌ها و نمادها به طور مداوم از سلسله‌ها به یک‌دیگر و به دیگر تمدن‌ها منتقل شده و از هم ملهم بوده‌اند. در این راستا، دو سلسله هخامنشی و اشکانی به دلیل توالی زمانی و در عین حال، تفاوت فاحش فرهنگی - ساختاری شان، حایز اهمیت و بررسی هستند. در این ارتباط، به بررسی مختصری درباره دو دوره مورد بحث در این پژوهش می‌پردازیم.

### هخامنشیان و آرایه‌ها و زیورآلات آنان



تصویر ۱- آویزها از تپه علیکش، برگرفته از کتاب پیش از تاریخ و بوم‌شناسی دشت دهلران، توالی روستاهای اولیه خراسان (هول، فلانری و نیلی، ۱۳۹۸: ۳۴۱).

<p>استفاده از صورت‌های مجلل و طرح‌های نیرومند هنر کهن وش و کلاسیک مهارت هنرمندان در معرفی افکار و عقاید مذهبی ادامه هنر دوره‌های قبل برابری با هنر بین‌النهرین از لحاظ مهارت فنی گرایش به بار نفسانی انسانی استفاده فراوان از طلا و نقره برای نشان دادن شکوه و جلال آمیختن و آشتی دادن میان اختلافات شیوه‌گرانه استفاده از آرایه‌های فراوان در نقش برجسته‌های پادشاه و اشرافیان درباری</p>	<p><b>هخامنشی</b></p>
<p>فضاسازی سه بُعدی، تسلط قالب‌های بازنمایی یونانی با حفظ برخی از عناصر شرقی انقلاب اجتماعی تاثیرگذار بر شکوفایی هنری ترکیب‌بندی التقاطی توجه به چهره‌سازی - نظام رخ‌نمایی، نقش‌های مکرر و نوآوری - بیان شخصی گرایش به بازنمایی حیوانات دارای خصلتی انتقالی: از یک سو به هنر بیزانسی و از سوی دیگر به هنر هندی و ساسانی</p>	<p><b>اشکانی</b></p>

تاریخ شاهنشاهی - که هخامنشیان بر اثر دل‌آوری خود ایجاد کردند - در ثلث دوم هزاره اول ق. م. (بین قرن‌های هفتم و چهارم ق. م.) قرار دارد که در میان ملت‌ها و تمدن‌های جهان مسکون، صف اول تمدن را به خود اختصاص داده بود (گیرشمن، ۱۳۸۱: ۱۳۴). در نیمه دوم هزاره اول پیش از میلاد، دولت نیرومند هخامنشی تاسیس شد و تمدن ایران به بالاترین درجه اعتلاء و درخشش خود دستیافت (گیرشمن، ۱۳۴۶: ۱۷۳). در دوره هخامنشی، بعضی از مناطق از اهمیت خاصی برخوردار بودند که از جمله این نواحی مناطق جنوبی و ساحلی ایران است که به دلایلی هم چون نزدیکی به مناطقی مانند پارسه و شوش شهرهای مهم دوره هخامنشی و وجود آب‌های خلیج فارس که هم چون دریچه‌های بهسوی دریا‌های آزاد و مناطقی هم چون هند، آفریقا و در نهایت، اروپا باعث شده بود که از لحاظ اقتصادی و کشورگشایی این ناحیه مورد توجه قرار گیرد (حیدری، ۱۳۹۸: ۴۹). هم‌چنین، از این مناطق آثار مکشوفه فراوانی - که بیانکننده فرهنگ و شرایط اجتماعی و اقتصادی این دوره است - کشف شده‌اند.

در این دوره، شناخت زمین و بهره‌برداری از ثروت‌های نهفته آن، رو به گسترش نهاد و استخراج مس، طلا، نقره، سرب، روی و دیگر فلزها به فراوانترین حد خود رسید. حجم زیاد طلا در خزانه هخامنشی گویای رونق معدن‌های طلا در این زمان است. در این دوره تولید طلا در کشور افزایش یافته و برای نخستین بار سکه طلا در جهان ضرب شد. ویژگی بارز پارسیان فراهم آوردن زمینه‌های بومی ملت‌های پیوسته به صورت نظارتی آگاهانه، مؤثر و مستقر در آثار هنری گوناگون

بوده است. میزان خراج و جواهرات دولت هخامنشی در خزانه و تخت جمشید، استخر، پاسارگاد، اکباتان و شوش به صورت شمش و اشیای قیمتی بسیار زیادی بوده که به نوعی نمایان‌گر کمال استادی و مهارت صنعت‌گران و استادان این فن در شناخت و پرداخت آن‌ها بوده است (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۷۵: ۱۵۲). افزون بر سکه در این دوره از طلا در ساختن اشیای تزیینی و زیورآلات و ظروف استفاده می‌شد و قصرهای شوش و تخت جمشید نیز به گفته داریوش از ورق‌های طلا تزیین شده بود. البته، در زمان کوروش سکه‌های نقره‌ای نیز ضرب می‌شد. از همان ابتدا، از همه نقاط کشور گسترده هخامنشی - که خود جهان وسیعی بود - طلاها به سوی گنجینه شاهی روان بودند و هنر هخامنشی نیز به گونه‌ای طراحی شده بود که از طرق مختلف، برای مجسم ساختن شکوه و شوکت امپراطوری کوروش و جانشینان او، کارایی داشته باشد. جواهرکاری و زرگری موید حشمت و حیثیت آن دربار شکوهمند بود و این همان چیزی است که از نقش برجسته‌های تخت جمشید آشکار می‌شود. مزیت مهارت فنی، تعادل میان جذابیت قریحه هنری، تابش رنگها و امتزاج نگاره‌ها و نیز جوشش شیوه‌های به کار رفته - که حاصلش هماهنگی بود، بی آن‌که سنت‌های مختلف محو یا مستور گردد - همه عواملی بوده‌اند که جواهرسازی هخامنشی را اشتیاق برانگیز و جذاب، جلوهرگر می‌ساختند. ویژگی اصلی شیوه بدیع جواهر سازی هخامنشی، آمیختن و آشتی دادن میان اختلافات شیوه‌گرانه بود. البته، اشیای مستند اندکی از آن زمان باقی مانده است که کار را بر تحقیق دشوار می‌سازد. از جمله در

تاریخ شاهنشاهی - که هخامنشیان بر اثر دل‌آوری خود ایجاد کردند - در ثلث دوم هزاره اول ق. م. (بین قرن‌های هفتم و چهارم ق. م.) قرار دارد که در میان ملت‌ها و تمدن‌های جهان مسکون، صف اول تمدن را به خود اختصاص داده بود (گیرشمن، ۱۳۸۱: ۱۳۴). در نیمه دوم هزاره اول پیش از میلاد، دولت نیرومند هخامنشی تاسیس شد و تمدن ایران به بالاترین درجه اعتلاء و درخشش خود دستیافت (گیرشمن، ۱۳۴۶: ۱۷۳). در دوره هخامنشی، بعضی از مناطق از اهمیت خاصی برخوردار بودند که از جمله این نواحی مناطق جنوبی و ساحلی ایران است که به دلایلی هم چون نزدیکی به مناطقی مانند پارسه و شوش شهرهای مهم دوره هخامنشی و وجود آب‌های خلیج فارس که هم چون دریچه‌های بهسوی دریا‌های آزاد و مناطقی هم چون هند، آفریقا و در نهایت، اروپا باعث شده بود که از لحاظ اقتصادی و کشورگشایی این ناحیه مورد توجه قرار گیرد (حیدری، ۱۳۹۸: ۴۹). هم‌چنین، از این مناطق آثار مکشوفه فراوانی - که بیانکننده فرهنگ و شرایط اجتماعی و اقتصادی این دوره است - کشف شده‌اند.

در این دوره، شناخت زمین و بهره‌برداری از ثروت‌های نهفته آن، رو به گسترش نهاد و استخراج مس، طلا، نقره، سرب، روی و دیگر فلزها به فراوانترین حد خود رسید. حجم زیاد طلا در خزانه هخامنشی گویای رونق معدن‌های طلا در این زمان است. در این دوره تولید طلا در کشور افزایش یافته و برای نخستین بار سکه طلا در جهان ضرب شد. ویژگی بارز پارسیان فراهم آوردن زمینه‌های بومی ملت‌های پیوسته به صورت نظارتی آگاهانه، مؤثر و مستقر در آثار هنری گوناگون

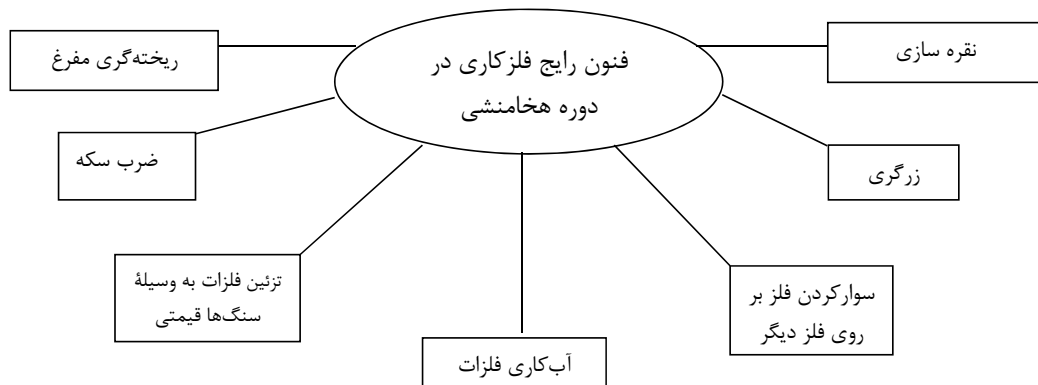
مورد کشف و تولید گاه اصلی گنجینه جیحون، ابهامات بسیاری وجود دارد؛ اگرچه مهارت هنرمندانه به کار رفته در ساخت‌شان انکارناپذیر است. مجموعه اشیای مورد بحث از جهت نفیس بودن در نوع خود بی‌بدیل است. خصوصاً که انواع زیادی از شیوه‌های هنری و اسلوب‌های کاربردی در آن‌ها ملاحظه می‌گردد که مشتمل بر بازوبندهای طلا، دست‌بندها، طوق‌ها، لوح‌ها، قرصک‌های تزئینی، انگشترها، دکمه‌ها و بسیاری از زینت‌های دیگر یافت شده از طلا است (فریه، ۱۳۷۴: ۱۸۹). سنگ غالب در اشیای زینتی و به خصوص زیورآلات آنان سنگ عقیق بوده است. مراکز عمده صنایع فلزی در دوره هخامنشیان در لرستان، آذربایجان و کرمان بوده و کارهای زینتی ظریف در آن دوره، اغلب از برنز، نقره و طلا ساخته شده است. از آثار مختلف بازمانده از دوران هخامنشی، گوشواره، گردن‌بند، دست‌بند، انگشتر و زنجیرهای طلا و تکه‌دوزی‌های زربفت را می‌توان نام برد (ویلسن، ۱۳۵۶: ۷۹).

در هیچ‌یک از آثار مورخان قدیم، توضیح دقیقی درباره چگونگی شکل‌گیری زیورهای دوره‌ها از جمله هخامنشی دیده نمی‌شود و فقط به نام بردن انواع آن‌ها کفایت شده است که ما با این داشته‌ها تنها می‌توانیم به وجودشان پی ببریم و اگر برخی از محققان هم توضیحی داده‌اند، گمان نمی‌رود از حدی که کریستی ویلسن تشریح کرده است، جلوتر رفته باشند که گفته است: «در موقع ساختن کانال کورنیت در یونان، یک جفت بازوبند طلای خالص پیدا شد که در دوسر آن، سرد و کوچ و بزکوهی، در هر طرف، ساخته شده بود. این بازوبند بدون شک از صنایع زمان هخامنشی هاست» (ویلسن، ۱۳۱۷: ۲۴۵). با این وصف، برای ما دو سند معتبر در این باره وجود دارد که شکل و خصوصیات آن‌ها را روشن می‌کند: یکی، مکشوفه‌های این

دوره و دیگری، نقوش مانده از آن عهد. داوید استروناخ در ۱۹۶۳ دلفین‌های اعجاب‌انگیز را از درون ویرانه‌های پاسارگاد به دست آورد که حاوی اقلامی باقی‌مانده از ۴۵۰ تا ۳۵۰ ق. م. بود. این مجموعه مشتمل بر یک جفت دست‌بند از طلای تاییده - که هر یک در دو انتهای خود به دو کله بزکوهی می‌پیوندد. گوشواره‌های پرزینت از ملیله کاری شبکه‌های با مفتول‌های طلا، بر زمین جودانه‌ای، قاشق نقره‌های با دست‌های ظریف و خمیده به شکل سروگردن اردک، قطعه‌های یاقوت جگری و لعل بنفش، مهره‌های سنگ لاجورد، زنگ‌های کوچک از طلا، دانه‌های گردن‌بند و دست‌بند به شکل نیلوفر آبی، آویزهای کوچک و لوح‌های طلا به شکل جانوران، سنگ‌های تراش‌خورده، سنجاق سینه با مینای خانه‌خانه، سنجاق سر، گردن‌بندهای مهره‌های و مرواریدی، همه نشانه‌های بازرسی از آرایه‌های بانوان اعیان دوران هخامنشی است (فریه، ۱۳۷۴: ۱۹۰). ویژگی بارز دست‌بندها و بازوبندهای طلایی در دوران هخامنشی این است که، این پیرایه‌ها کاملاً مدور نیستند؛ بلکه در قسمت مقابل بست، قدری فرورفتگی دارند.

در مجموع، دو مجموعه از جواهرات دوره متأخر هخامنشی، در ایران کشف شده است: یکی درون گورخانه‌ای در شوش و دیگری داخل سیوی مدفون در پاسارگاد. دلفینه درون گورخانه شوش، شامل دست‌بندهایی از طلای توپر، طوقی زرین که دو انتهای دهان بازش به دو سر شیرمنتهی می‌شود. گوشواره‌هایی از زر گوه‌ر نشان شده (طلای مرصع) و شماری گردن‌بند ساخته شده از مهره‌های گرد طلا و نقره و دانه‌های مروارید و سنگ‌های گران‌بها شامل فیروزه، لاجورد، زمرد، دُرکوهی،<sup>۲</sup> یاقوت و یاقوت جگری،<sup>۳</sup> عقیق،<sup>۴</sup> سنگ یشم (آبی) می‌گردد (گیوقصاب، ۱۳۸۶: ۵۰). در پایان باید افزود که نقره‌سازی، زرگری و جواهرسازی هخامنشی از

نمودار ۱. فنون رایج فلزکاری در عهد هخامنشی (نگارندگان).



جهت کمال مهارت، چنان بود که چون تحفه‌های گران بها به دورترین نقاط، چون جیحون و کوه‌های آلتایی و سرزمین مصر، صادر می‌شد.

### آرایه‌ها و زیورآلات اشکانیان

بعد از هخامنشیان دیگر نمی‌توان از مرزهای سیاسی کشور سخن گفت؛ چون قدرت سیاسی به این نام وجود ندارد. در روزگاران باستان، بردگان و اسیران جنگی کار سخت معدنکاری را برعهده داشتند. در نتیجه، این افراد همواره، فرصتی برای گریختن را جستجو میکردند و این فرصت در زمان ضعف یا شکست دستگاه دولتی فراهم شد (پرادا، دایسون و ویلیکینسون، ۱۳۸۳: ۸۶). از حدود ۲۵۰ ق. م. اشکانیان یا پارتها که قومی ساکن استپهای واقع در فاصله دریای خزر و دریاچه آرال بودند به تدریج، نیرومند شده و ابتدا، برشمال و مشرق ایران و سپس، با پس راندن سلوکیان بر تمامی ایران دست یافتند. بدین ترتیب، پادشاهی بزرگ اشکانی در حدود ۱۶۰ ق. م. به فرمانروایی مهرداد اول تاسیس شد. از بررسی اندک آثار به دست آمده از تمدن و هنر اشکانی این موضوع کلی آشکار می‌شود که اشکانیان در طول پادشاهی خود تدریجاً، نفوذ فرهنگ و هنر یونانی را محو و ویژگی‌های هنر هخامنشی را احیا کردند (مرزبان، ۱۳۸۳: ۳۴). در دوره پارت‌ها و استقرار صنعت آن‌ها، معدن‌کاری و صنایع وابسته به آن رونق یافت که علت آن نیز تامین فلز برای ساخت ابزار سنگی و استفاده از اسیران در معدنکاری بود (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۴۵). از قرن اول میلادی به این سو، کماکان می‌توان رد مشخصه‌های هلنی را در هنر این دوره دنبال کرد؛ ولی صورت نگاره‌ها و بافت آثار هنری اساساً، پارتی است (غیبی، ۱۳۹۱: ۲۰۳). این مورد، به خصوص در برخی سنگ نگاره‌های غرب ایران مانند بیستون، سرپل ذهاب و تنگ نوروژی دیده می‌شود (کریستس، ۱۳۷۸: ۳۷-۳۸). در قلمرو هنرهای تزئینی ابتکار پارتیان کم و بیش پر حاصل بوده است. در اشیای کوچک برنزی تمام خصوصیات برجسته سبک هنر حیوان سازی هخامنشی یافت می‌شود. ... ذوق لطیف در مجسمه‌های الحضریا نقوش گورستان پالمیر بیش تر محسوس است؛ با این وجود از هنر جواهرسازی آنان اطلاعات اندکی در دست است (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۱۰۰). جواهرات و زیورهای زرین دوره پارتی به مقیاس کوچک تری نسبت به گذشته ساخته می‌شد و بیش تر تزئینی بود تا تعیینی، بیش تر شخصی بود تا مجلسی؛ و در حد اعلی،

بیش تر شایسته آرایه بخشی به خانوادگی اشرافی تا به سلسله پادشاهی (فریه، ۱۳۷۴: ۱۹۷). زینت آلات اشکانی عبارت بوده است از اسلحه، دست‌بندها، مهره‌ها، انگشتری‌ها، گوشواره‌ها، که از طلا و نقره، برنج و مس ساخته شده بودند. با وجود آثار کشف شده می‌توان هنر اشکانی را به سه دوره مشخص تقسیم کرد:

۱) آثار یونانی و تقلید از آثار شرقی پیشین؛

۲) دوره‌ای که در پایان قرن اول پیش از میلاد مسیح آغاز می‌شود و اشکانیان با تلفیق عناصر اقباسی، هنر خاص خود را پدید می‌آورند؛

۳) دوره‌ای که از نیمه دوم قرن دوم میلادی تا پایان عهد اشکانی را فرا می‌گیرد و در آن، هنر اشکانی روی به انحطاط مینهد و تباهی در آن راه می‌یابد و تنها آثار هنری این دوره را می‌توان در میان بناهای حکام محلی و اقوام مرزی جستجو کرد.

چنان چه از پیکره‌ها و نقوش برجسته پادشاهان و ملکه‌ها، جنگاوران، شاهزادگان و تجار اشکانی باقی مانده در ایران، الحضری، پالمیر، نیپور، دورا اروپوس و ... استنباط می‌گردد که اشکانیان علاقه زیادی به جواهرات و زیورآلات و اشیای زرین و سیمین داشته‌اند و فراوانی جواهرات مورد استفاده زنان و مردان گواهی بر ثروت و اواخر دوره اشکانی دارد.

### بررسی تطبیقی زیورآلات و اشیای گران بهای بر جای مانده از دودوره هخامنشی و اشکانی

لوئی و اندنبرگ در کتاب خود به نام باستان شناسی ایران باستان چنین می‌گویند: «هنر فلزکاری مخصوص ملل اسب سوار است مانند پارسی‌ها». ایرانیان از دیرباز، از هیچ زیوری روی گردان نبودند. زیورآلات به عنوان مکمل پوشش تن و سر و دست و پای زن و مرد و تزئین کننده آنها، همیشه مورد توجه اقوام مختلف بوده است (غیبی، ۱۳۹۲: ۱۲۸). در این ارتباط هنرهای زینتی و ساخت زیورآلات نیز به عنوان هنری شکوهمند، کاربردی و ارزشمند به عنوان شاخه‌ای مهم برای بررسی و تحقیق بیان می‌گردد و با توجه به این که در تمدن ایران باستان دو سلسله هخامنشی و اشکانی از جمله تمدن‌های مهم با بافت فرهنگی هنری متفاوتی بودند، در تطبیق اشیای به جای مانده از این دوره‌ها می‌توان به نتایج ارزنده‌ای دست یافت. در دوره هخامنشی صنعت فلزکاری، سوارکردن فلزی بر روی فلزی دیگر، کنده کاری و تزئین فلزات به وسیله سنگ‌های قیمتی و هم چنین، آب‌کاری فلزات از جمله آب طلاکاری - که رموز

فنی آن، در آن دوره هنوز مشخص نشده است- دوران شکوفایی خود را میگذراند (همان: ۱۷۶). هنرمندان آن دوره از لحاظ مهارت فنی با هنرینان نه‌ترین برابری می‌نمایند و در زمینه نقره سازی، زرگری و ریخته‌گری مفرغ نیز اساتید چیره دستی در این دوران وجود داشته‌اند که در آثار زینتی به جای مانده نمود دارد. این مساله در دوره اشکانی نیز بارشد صنعت فلزکاری مشخص می‌گردد. در حقیقت، هنر اشکانی مشخصات خاصی دارد که ریشه آن را باید در هنر گذشته همین سرزمین جستجو کرد (دادور، ۱۳۸۸: ۲۱۹). در این دوره نیز ما ضرب سکه با مهارت در ریخته‌گری و استفاده از آب طلا و نقره را در روند رو به رشد هنرهای تزئینی مشاهده می‌نماییم؛ با این تفاوت که در هنر هخامنشی مهارت هنرمندان و قدرت هنری آن‌ها بیش‌تر در خدمت پادشاهان و نشان دادن قدرت آنان بود و در زمینه هنری از یک سو، متاثر از یونان و از سوی دیگر، تأثیرگذار بر سرزمین‌های دیگر از جمله هند بوده است؛ برخلاف دولت اشکانی که علاوه بر تأثیری که از هنر دوره‌های قبل گرفته، دارای گرایش یونانی بوده و در آثار هنری و از جمله زیورآلات خود تفسیری آزادانه از هنر یونانی را ارائه داده است که به صورت فضا سازی سه بُعدی، جامه‌پردازی، تعادل و تقارن و تناسب، تسلط قالب‌های بازنمایی یونانی با حفظ برخی از عناصر شرقی نمود می‌یابد. در دوره هخامنشی با توجه به پُر بودن خزانه پادشاهی از طلا و نیز سازیرشدن هدایای فراوان به دربار شاهی، استفاده از طلا و نقره در ضرب سکه و ساخت زیورآلات برای پادشاهان و درباریان از شاخه‌های هنر زینتی این عصر گردیده است؛ این در حالی است که در دوره اشکانی

باتوجه به خصلت انتقالی هنر در این دوره و انقلاب اجتماعی - که در این عصر به وقوع پیوست که در عین حال از جهاتی، سبب شکوفایی هنرها و از جمله هنرهای زینتی گردید، با مساله کاربردی شدن زیورآلات در میان اقشار مختلف مردم و علاقه آنان به استفاده فراوان از زیورآلات روبه‌رو میگردیم؛ که در آثار به جای مانده از نقشبرجسته‌ها و مجسمه‌های برجای مانده از این دوران کاملاً مشهود است. در تطبیق بین نقوش به کار رفته در این دوران مشخص می‌شود که، هخامنشیان توجه بسیاری در بازنمایی انسانی و شکوهمند نشان دادن چهره پادشاهان و درباریان با استفاده از زیورآلات داشته‌اند؛ و نقوش به کار رفته در این دوران بیش‌تر به صورت گل سرخی، دندان‌های، غنچه نیلوفری یا گل‌های به هم پیوسته است (پاکباز، ۱۳۹۶: ۴۲۵). هنر هخامنشی در زمینه ترسیم حیوانات و بعضی از نباتات، هنری است شبیه به طبیعت و در ترسیم درختان و مرغان خیالی و اهورامزدا و غیره نیز تجریدی و ابداعی است و در نقش آدم، هنری است عاری از جزئیات، یعنی فقط به ترسیم شکل میپردازد و نقش حیوانات در آثار آنها ساده و ظریف است (وزیری، ۱۳۸۰: ۳۶) و نقش غالب اشیای زینتی آنان نقش شیر است که نمادی از قدرت و عظمت است. در دوره اشکانی گرایش به بازنمایی حیوانات در اشیای زرین - سیمین، مفرغی و سفالی آن‌ها کاملاً مشخص است (همان: ۴۲۷) و توجه به چهره سازی، تمام رخ‌نمایی، نقش مکرر و نوآوری و در عین حال، بیان شخصی از ویژگی‌های بارز هنرهای زینتی آنان است. در مقایسه تطبیقی طراحی زیورآلات و نقوش آن‌ها، آن‌چه بیش‌تر از همه نمود می‌یابد این است که، در گردن بندهای

جدول ۲. بررسی اشیای زینتی برجایمانده از دوره هخامنشی و ساسانی (نگارندگان).

دوره تاریخی	قدمت	زیورآلات	مصنوعات سنگی	مصنوعات سنگواره‌ای	مهرهای زینتی	مهر یا طلسم
ماد و هخامنشی	از اواخر قرن هفتم پیش از میلاد	اغلب زیورآلات مرصع کاری شده با انواع سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی (دست‌بندها، طلاها، لاجورد، فیروزه، صدف و ... گوشواره‌ها، فیروزه و مروارید و ... گردن بندها، لاجورد، عقیق، فیروزه، زمرد، یاقوت‌های قرمز و آبی و یشم و ...	مجسمه سازی از سنگ‌های مرمر، لاجورد و سنگ آهک تیره - دگمه و تزیینات لباس از لاجورد، فیروزه، عقیق و ... ظروف سنگی اغلب از سنگ مرمر و یشم	عاج کاری بیش‌تر بر تندیسک‌ها و یا شانه‌های سر، پیکرها چوبی باروکشی از طلا و ...	—	حکاکی مهر بر روی سنگ‌های قیمتی به صورت مجسمه سازی بسیار کوچک و بیش‌تر مهرهای استوانه‌ای از سنگ‌های لاجورد، عقیق یمانی، سنگ آهکی و صابون
اشکانی	از سده‌های اول و دوم پیش از میلاد	اغلب زیورآلات با طلا و میناکاری و یا گوهر نشان شده با سنگ‌های قیمتی (یشم، یاقوت، گارنت، فیروزه، مروارید و ...) و گاهی استفاده از خمیر شیشه در گردن بندها	نقش برجسته و مجسمه سازی با سنگ مرمر	حکاکی روی صدف کنده کاری بر استخوان کنده کاری بر عاج (ریتون‌های نسا) و مهره‌های شیشه‌ای	مهره‌های شیشه‌ای و ...	مهرهای مخروطی و گنبدی از عقیق جگری، عقیق یمانی و ...



جدول ۳. پیکره مطالعاتی؛ نمونه‌هایی از آرایه‌ها و زیورات هخامنشی و اشکانی (نگارندگان).

پیکره مطالعاتی	دوره	تصویر نمونه	آنالیز (تحلیل)	تطبیق (شباهت‌ها و تفاوت‌ها)
گردنبند	هخامنشی	 (غیبی، ۱۳۹۱:۱۹۹)	گردن‌بندی مرکب از شیشه و طلا که طلاها به شکل مهره‌های بشک‌های بوده و مهره‌های بزرگ‌تری از شیشه میان هر دو مهره طلا قرار دارد. این گردن‌بند از همدان بدست آمده است و همان‌کون در موزه میهن‌زاین موجود است.	مشاهده خصوصیات هنر هخامنشی مهارت فنی در طراحی - توجه به تقارن ترسیم ساده شکل - استفاده از هنر تجریدی و انتزاعی در ترسیم - شکوهمندبودن و درباری بودن زیور - استفاده از طلا به عنوان عنصر غالب. مرصع کاری با سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی
	اشکانی	 (همان: ۲۰۷)	گردن‌بند بالایی منسوب به «دیلمان» و پایینی منسوب به «تیبور» است. بالایی در وسط خود زیوری بیضی شکل دارد. گردن‌بند پایین، دارای مقداری زیور بیضی شکل منقوش و جواهر نشان و یک زیور چهار گوش دراز است. این نمونه‌ها هم اکنون در موزه متروپولیتین موجودند.	مشاهده خصوصیات هنر اشکانی برگرفته از هنر هلنی گوهر آرای با سنگ‌های قیمتی (یشم - یاقوت، گارنت، فیروزه و ...)، استفاده از مروارید در طراحی زیور - استفاده از نقوش گیاهی - ساده سازی عناصر ترکیب، توجه به تقارن متناسب و تعادل - شباهت با نمونه‌های برجای مانده از هنر یونانی
گوشواره	هخامنشی	 (همان: ۱۹۸)	گوشواره‌های شوش موجود در موزه ملی ایران که از قیر یکی از شاهزادگان به دست آمده و از نیمه دوم قرن چهارم پیش از میلاد هستند. دایره خارجی حلقه‌های گوشواره که در آن‌ها سنگ فیروزه و زمرد نشانده اند به شکل گل برگ می‌باشند. چفت و بست گوشواره ا به وسیله میله کوچکی به صورت سنجاق قفلی انجام می‌گیرد	مشاهده خصوصیات هنر هخامنشی هم چون تعادل - تقارن و ... توجه به انسان نمایی برای نشان دادن عظمت و قدرت با استفاده از نقوش انسانی، ترسیم ساده شکل با استفاده از خطوط. استفاده از طلا به عنوان عنصر غالب در ساخت زیور به عنوان ماده اولیه - استفاده از آب طلا و نقره استفاده از صورت مجلل و طرح نیرومند - ترکیب بندی متقارن
	اشکانی	 (همان: ۲۰۴)	گوشواره‌ای است هلالی شکلیا چفت و بست، موجود در موزه ملی ایران که روی این هلال سه برجستگی به منظور گوهر نشانی تعبیه شده و اطراف این برجستگی‌ها یا دانه‌های گرد طلا زینت شده است. در پایین هلال سه گلوله بزرگ و در زیر آن‌ها گلوله‌ای دیگر متصل به هم هست که هر یک دارای گلوله‌های کوچکی از طلا، چون خوشه انگورند. آخرین خوشه - که به منزله آویز است - بلندتر است.	مشاهده خصوصیات هنر پارتی با تأثیر پذیری از هنر یونانی و هلنی بیش تر از هنر ایرانی - طوق‌های دور گردن مجلل متأثر از هنر هلنی استفاده بیش تر از گوهرهای تزئینی نسبت به ادوار قبل در طراحی‌ها با توجه به تأثیر از نمونه‌های یونانی - استفاده از آب طلا در ساخت. پیرا ایه بودن و کاربرد تر شدن گردن‌بندهای یافت شده در این دوره نسبت به دوره‌های قبل به علت انقلاب اجتماعی - ترکیب بندی التقاطی - استفاده از خمیر شیشه
دستبند	هخامنشی	 (همان: ۱۹۰)	دست‌بندی که از پاسارگاد به دست آمده و منتسب به دوره هخامنشی است و در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. این دست‌بند دارای دو سر شیر بوده و حلقه آن ساده است.	مشاهده ویژگی‌های هنر هخامنشی و متأثر از ادوار پیشین قابل مشاهده در دست‌بند باز با سر حیوانات واقعی یا ترکیبی - استفاده از طلا به عنوان عنصر زینتی غالب هخامنشی - نمود ویژگی بارز دست‌بندهای هخامنشی به صورت فرورفتگی در مقابل بست. استفاده از نماد شیر برای نشان دادن عظمت توجه به تقارن در طراحی، نمود هنر فلز کاری
	اشکانی	 (همان: ۲۰۸)	بازوبندهای دور اروپوس از رشته‌های سیمین ساده منجوق دار، شبیه جودانه به صورت یک در میان تشکیل شده است. این نمونه اکنون در گالری هنرهای زیبای دانشگاه بیل موجود است.	نمایش تأثیر هنر هلنی با تطبیق نمونه‌های یافت شده از هنر یونانی. استفاده از بازوبند به جای دست‌بند در این دوره نسبت به ادوار پیشین - کاربردی شدن زیور - توجه به نقش‌های مکرر و نوآوری نمود هنر فلز کاری

به جای مانده از دوره هخامنشی بیش‌تر از طلا و نقره استفاده می‌شده که به صورت مجلل و پراپایه بوده است؛ اما بعد از دوره هخامنشی، طوق‌های دورگردن بسیار مجللی همراه با سنگ‌های زینتی فراوان با مشخصات لباس اشکانی و با تأثیر از هنر یونانی تعبیه شد و به وسیله اشکانی‌ها به سرزمین هندوستان راه یافت. از آرایه‌های مهم دیگر مورد بررسی در دوره هخامنشی، دست‌بندهای آنان است - که از حفاری‌های این دوران در ارتباط با زیورآلات این دوره به دست آمده است - دست‌بندهای این دوره کاملاً مدور نبوده و معمولاً، در قسمت مقابل بست قدری فرورفتگی دارند. از دوره هخامنشی دست‌بند، زیوری زنانه محسوب می‌شده است و تقارن که از ویژگی‌های مهم هنر هخامنشی است - در این طراحی‌ها کاملاً، مشخص است؛ این در حالی است که، در دوره اشکانی استفاده از بازوبندهای فراوان به جای دست‌بند متداول تربوده و این زیور مصرفی همگانی داشته است؛ و در زمینه طراحی نیز از شیوه ترکیب بندی التقاطی رایج در این دوره استفاده شده است. استفاده از مهره‌های شیشه‌های در دوره هخامنشی رواج نداشته است؛ در حالی که نمونه‌هایی از مهره‌های دوره اشکانی در دیلمان کشف شده که عبارتند از مهره‌های کوچک پیوسته، مهره‌های لوزی شکل هموار، مهره‌های موزاییک با مهره‌های تائیده، مهره‌های لوله‌ای و مهره‌هایی به شکل کدو تنبل (گیوقصاب، ۱۳۸۶: ۵۲). هم‌چنین، از عاچ در طراحی جواهرات و ظروف و اشیای زینتی و ریتون‌های عاجی در دوره اشکانی استفاده فراوان می‌شده است. این مساله را می‌توان به ارتباط کشور در آن دوره با دولت هند و چین از راه جاده ابریشم نسبت داد؛ البته، در دوره هخامنشی نیز تعدادی اشیای عاج نشان یافت شده؛ ولی جلوه‌گری آن نسبت به دوره اشکانی کم‌تراست؛ زیرا منابع اولیه کم‌تری در اختیار هنرمندان آن عصر قرار گرفته بوده است؛ البته، تعداد زیادی از اشیای عاج نشان بازمانده از دوره اشکانی نیز به دست هنرمندان خارجی تهیه و تعبیه شده است که نشان دهنده نفوذ هنر کشورهای مجاور در هنر پارسی ایران است. در دوره هخامنشی، اغلب زیورآلات مرصع کاری شده با انواع سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی‌اند که در دست‌بندها با طلا، لاجورد، فیروزه، صدف و... و در گوشواره‌ها با فیروزه و مروارید و... و در گردن‌بندها با لاجورد عقیق، فیروزه، زمرد، یاقوت قرمز و آبی و یشم و... بوده است. در اشکانی اغلب زیورآلات با طلا و مینا کاری و یا گهر نشان شده با سنگ‌های قیمتی مانند یشم، یاقوت، گارنت، فیروزه، مروارید و...

ساخته شده و گاهی نیز از خمیر شیشه در گردن‌بندها استفاده شده است. در مجسمه سازی هخامنشی از سنگ‌های مرمر، لاجورد و سنگ آهک تیره استفاده شده و دگمه‌ها و تزئینات لباس از لاجورد، فیروزه، عقیق و... بوده‌اند و ظروف سنگی اغلب از سنگ مرمر و یشم هستند؛ در حالی که در نقش برجسته‌ها و مجسمه سازی اشکانی بیش‌تر از سنگ مرمر استفاده شده است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، عاچ کاری هخامنشی بیش‌تر بر تندیسک‌ها و یا شانه‌های سر بوده است و به علت اهمیت دادن به پیکره‌های انسانی حتی پیکره‌های چوبی نیز با روکشی از طلا و... عرضه شده است. در هنر زینتی اشکانی ما با حکاکی بر روی صدف و کنده کاری بر روی استخوان مواجه می‌شویم که در دوره هخامنشی نمونه خاصی در این باره یافت نشده است. حکاکی مهر بر روی سنگ‌های قیمتی به صورت مجسمه سازی بسیار کوچک در دوره هخامنشی بوده و بیش‌تر مهرهای استوانه‌ای از سنگ لاجورد و عقیق یمانی و سنگ آهکی و صابون ساخته شده‌اند و سنگ غالب آن‌ها سنگ عقیق بوده در حالی که در اشکانی مهرهای مخروطی و گنبدی از عقیق و فیروزه را بیش‌تر از مهرهای استوانه‌ای و مسطح مشاهده می‌نماییم و استفاده از سنگ فیروزه با توجه به معادن کشف شده در آن دوران بیش‌تر از ادوار قبل بوده است. در بررسی تطبیقی اشیای به جای مانده و با توجه به نکات ارائه شده در این باره و در مقایسه هنرهای زینتی این دوران اهم نکات قابل ارائه را با ارائه نمونه‌هایی چند در جدول زیر بیان می‌نماییم.

#### نتیجه

از مقایسه اشیای به جای مانده از ادوار مورد بررسی، یعنی هخامنشی و اشکانی با توجه به موقعیت سیاسی و فرهنگی‌شان و نیز توالی زمانی این دوره‌ها به شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دست می‌یابیم که از آن جمله تأثیر فرهنگ و هنر هریک با توجه به ساختار فرهنگی‌شان است. در دوره هخامنشی با توجه به غنای خزانه مملکتی و نیز توجه فراوان به شاهان و شکوه و جلال دربار، هنر آنان انعکاسی است از اصول سیاسی و مفاهیم اخلاقی اشرافی‌شان؛ با وجود این، در این عصر هنرمندان بسیار با افکار خلاق از سرزمین‌های مختلف به خلق آثار هنری پرداخته‌اند؛ ولی با توجه به اوامر پادشاهان و عدم آزادی عمل در کار هنری، شیوه و سبک خاصی را در خلق آثار به کار می‌گرفتند که از آن می‌توان به سبک درباری یاد کرد. البته، در شکوفایی هنر تزیینی، ثروت

هخامنشی	اشکانی
بهره جویی از فن آوری جواهرسازی و زرگران و فلزکاران نواحی آذربایجان کردستان گیلان و به خصوص لرستان	هنر ساسانی پارتی با مشخصه‌های هلنی - متاثر هنر یونان
اتصال هنر هخامنشی در جواهر سازی باتمدن‌های قدیمی تر ایران و خصوصاً متاثر از هنر مصر	استفاده از جواهرات برای نمایش ثروت و عشق به خودنمایی در میان عامه مردم
اشیای زرین و سیمین هماهنگ و متناسب با دربار پر شکوه پادشاهان	بخش اعظم جواهرات به صورت مجسمه‌ها و سکه‌ها و نقاب‌های زرین مردگان
کشف اشیا پیش‌تر در کاخ‌ها و مقابر	کشف اشیا پیش‌تر در مقابر و تابوت‌های مردگان
سنگ گران‌بها غالب مورد استفاده عقیق و نقش غالب مورد استفاده شیر	سنگ جواهر غالب مورد استفاده فیروزه و نقوش غالب گیاه کنگر، گراز و موجودات عجیب‌الخلقه دارای بال و شاخ، تصویر مرغ خیالی - شیر بال دار ایرانی
شکل مهره‌ها به صورت استوانه‌ای و مضامین مهره‌ها خارج شدن موضوعات از جهان بینی مذهبی و وارد شدن به جهان عادی - قهرمان مجلس پادشاه همیشه پیروز بوده و به منزله نهادی از حکومت هخامنشی	اشکال مهره‌ها به صورت گنبدی مخروطی و نیم کره و مجسمه‌های کوچک و مضامین آن تصاویر نجیب زادگان محلی نقوش حیوانات، تصویر مرغ خیالی شیر و گاو کوه‌اندار و قوچ و آهو و اسب
اوج هنر زرگری و جواهر سازی و مهر سازی در ایران	اوج هنر مجسمه‌سازی آسیایی با رواج مکتب اشکانی - هلنیزم

ایرانیان در همه اعصار و در همه هنرها به‌ویژه هنرهای تزئینی و ساخت زیورآلات دارد. البته درست همان گونه که «پیشرفت» هنری امری اجتناب‌ناپذیر است، تعیین «مقصودی غایی» به طور مطلق برای هر جنبش هنری نیز امکان پذیر نخواهد بود؛ که این مساله در ارتباط با هنرهای تزئینی نیز مصداق پیدا می‌کند. نتیجه‌آخرا این که، تاثیر اعتقادات، اساطیر و باورها بر زیورآلات در دوره هخامنشی به اوج خود رسید؛ و بعد از این دوره، در دوره اشکانی و پس از آن، فرم‌ها و نقشمایه‌های زیورآلات دچار تحولاتی در جهت ساده شدن و صرفاً زینتی شدن این اشیا گردید که این مساله در مقایسه تطبیقی بین زیورآلات هخامنشی و اشکانی به راحتی قابل مشاهده است.

#### پی‌نوشت

- ۱ هماتیت گونه‌ای اُخراست که آنرا اُخرای قرمز گویند. اُخرا نوعی خاک رس (ocre) است که با آهن آمیخته شده و در نتیجه به رنگ زرد، نارنجی، قرمز و قهوه‌ای درمی‌آید و در جزایر جنوبی ایران یافت می‌گردد.
- ۲ آغاز کاربرد مس در ساختن زیورآلات و سلاح و غیره که به تدریج جایگزین ابزار سنگی شده و یا تماماً به‌کار می‌رفت.

- 3 Sop hire.  
4 ruby.  
5 Agate.

#### منابع

اربابی، سمیه و ایمانی، الهه (۱۳۹۲). *بررسی روند تکامل زیورآلات ملیله از دوران هخامنشی تا سلجوقی*، پژوهش هنر، سال اول، شماره ۳، ۷۳-۸۲.

بی‌شمار هخامنشیان نقش اساسی داشته است که سایر اقشار جامعه از آن محروم بوده‌اند. این مساله در زمان دولت اشکانی با توجه به نفوذ فرهنگ یونانی و پخش ثروت در میان اقشار مختلف مردم به صورت استفاده بیش‌تر مردم از زیورآلات و عناصر تزئینی در آثار به جای مانده و مجسمه‌ها و سکه‌های آنان مشهود است و علاقه مردم به تزئین و زینت خود در این دوره، نمود آن است. اگرچه استفاده از سنگ‌های زینتی در هر دوره کاملاً، مشهود است، اما سنگ غالب مورد استفاده در آن‌ها متفاوت است؛ به طوری که ما در زیورآلات هخامنشی، بیش‌تر به سنگ عقیق و در دوره اشکانی، بیش‌تر به نمونه‌هایی از سنگ فیروزه برخورد می‌نماییم؛ البته در مجموع استفاده از سنگ‌های زینتی در دوره اشکانی با توجه به تاثیر فرهنگ یونانی بیش‌تر از دوره هخامنشی است؛ و در دوره هخامنشی، به علت وجود معادن طلای فراوان و در اختیار داشتن گنجینه‌های سکه به زیورآلاتی از جنس طلا و نقره بیش‌تر از زیورآلات گوه‌نشان برخورد می‌نماییم. از مجموع عوامل یاد شده چنین برمی‌آید که مجموعه‌اشیای مورد بحث در هر دوره به جهت نفیس بودن در نوع خود بی‌بدیل است؛ خصوصاً، که انواع زیادی از شیوه‌های هنری و اسلوب‌های کاربردی در آن‌ها به ثمر رسیده است و اگرچه آثار به جای مانده از دو دوره به جهت تنوع و تاثیر داری تفاوت‌های آشکار است، اما به دلیل مهارت فنی، تعادل میان جذابیت و قریحه هنری، تابش رنگ‌ها، امتزاج نگاره‌ها و جوشش شیوه‌های به‌کار رفته و نیز بالابودن نیرو و درک هنرمندان ایرانی در همه اعصار نشان از فرهنگ بالای ایرانی و ذوق و قریحه ستودنی

هول، فرانک؛ فلانری، کنت و نیلی، جیمز (۱۳۹۸). *پیش از تاریخ و بوم‌شناسی انسانی دشت دهلران*، ترجمه حسین رئیسی و امیر خان مرادی، تهران: مهرگرد.

#### References:

- Arbabi, S.; Imani, E. (2013). *Filigree Jewelry from the Achaemenid Era to the Seljuk Era*, *Journal of Art Research*, 1(3), 73-83 (Text in Persian)
- Pakbaz, R. (2017). *Encyclopedia of Art*, Tehran: Contemporary Culture Publications (Text in Persian)
- Prada, I; Trabert; D.; Walkinson, Ch. (2004). *Art of Ancient Iranian (Majidzadeh, Y. trans.) (2nd Ed.)*, Tehran: University of Tehran (Text in Persian)
- Pope, A. A. (2008). *Masterpieces of Iranian Art, (Natel Khanlari, P. trans.)* Tehran: Scientific and Cultural Publications (Text in Persian)
- Taghipur Ashlaghi, S. (2006). *Elamite Jewelry, M.A. Thesis in Archeology of Azad University, Central Tehran Branch*, (Text in Persian)
- Heydari, F. (2019). *Presence of Achaemenids on the Northern and Southern Coasts of Persian Gulf given to the Written Sources and Archaeological Findings*, *Journal of Jundishapur*, (17), 48-68 (Text in Persian)
- Davood, A. (2009). *Mixed Animals in Art of Ancient Iranian*, Tehran: Al-Zahra University Press (Text in Persian)
- Durant, W. (1976). *The Story of Civilization, (Darius, P.; Enayat, H.; Soroush, A.A. trans.)* Scientific and Cultural Publications (Text in Persian)
- Riyazi, M. R. (1996). *Picture Dictionary of Iranian Art*, Tehran: Al-Zahra University Press (Text in Persian)
- Sarfaraz, A. A. ; Firuzmandi, B. (1996). *Collection of Archeology and art Lessons of the Historical Era of the Medes, Achaemenids, Parthians and Sassanids*, Tehran: Marlik (Text in Persian)
- Saeedi Harisani, M. R.; Chaychi Amirkhiz, A. (2012). *Reviewing the Burial of a Coffin in Ancient Iran, (4th ed)*, Tehran: Shamisa (Text in Persian)
- Shah Hosseini, M. (2013). *Iranian Clothes*, *Journal of Moon of History and Geography*, (183), 89-92 (Text in Persian)
- Ziapur, J. (1969). *Jewelry of Women from the Past until Now*, Tehran: Ministry of Culture and Arts (Text in Persian)
- Gheybi, M. (2012). *35,000 years of jewelry in Iranian Tribes*, Tehran: Hirmand (Text in Persian)
- Gheybi, M. (2013). *8000 years of Clothing in Iranian Tribes*. (5th Ed.), Tehran: Hirmand (Text in Persian)
- Farye, R, W. (1995). *Iranian Arts, (Marzban, P. trans.)*, Tehran: Foruzan (Text in Persian)
- Kritz, J. (1999). *Ancient Iran, (Bahari, Kh. Trans.)*, Tehran: Karang (Text in Persian)
- Girshman, R. (1967). *Iranian Art: During the Achaemenid and Median Eras, (Behnam, I. trans.)* Tehran: Book Translation and Publishing center (Text in Persian)
- \_\_\_\_\_. (1991). *Iranian Art: During the Parthian and Sassanid Eras, (Fareh vashi, B. trans.) (2nd Ed.)*, Tehran: Scientific and Cultural Publications. (Text in Persian)

- پاکباز، رویین (۱۳۹۶). *دایره‌المعارف هنر، تهران: فرهنگ معاصر*.
- پرادا، ایدت؛ دایسون، رابرت و ویلیکینسون، چارلز (۱۳۸۳). *هنر ایران باستان*، ترجمه یوسف مجیدزاده، چ. دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- پوپ، آرتور آپهام (۱۳۸۷). *شاهکارهای هنر ایران*، ترجمه پرویز ناتل خانلری، تهران: علمی و فرهنگی.
- تقیپور اشلقی، ساناز (۱۳۸۵). *زیورآلات ایلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- حیدری، فرشید (۱۳۹۸). *حضور هخامنشیان در کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس با توجه به منابع مکتوب و یافته‌های باستان‌شناسی*، جندی شاپور، شماره ۱۷، ۴۸-۶۸.
- دادور، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *جانوران ترکیبی در هنر ایران باستان*، تهران: دانشگاه الزهراء (س).
- دورانت، ویل (۱۳۵۴). *تاریخ تمدن*، پرویز داریوش، حمید عنایت و علی اصغر سرروش، تهران: علمی-فرهنگی.
- ریاضی، محمدرضا (۱۳۷۵). *فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران*، تهران: دانشگاه الزهراء (س).
- سرفراز، علی اکبر و فیروزمنندی، بهمن (۱۳۷۵). *مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد و هخامنشی و اشکانی و ساسانی*، تهران: مارلیک.
- سعیدی هریسنی، محمدرضا و چایچی امیرخیز، احمد (۱۳۹۱). *نگاهی به تدفین تابوتی در ایران باستان*، چ. چهارم، تهران: شمیسا.
- شاه‌حسینی، مریم (۱۳۹۲). *پوشاک ایرانی*، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۸۳، ۸۹-۹۲.
- ضیاء پور، جلیل (۱۳۴۸). *زیورهای زنان از دیرباز تا کنون*، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- غیبی، مهرآسا (۱۳۹۱). *۳۵۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی*، تهران: هیرومند.
- غیبی، مهرآسا (۱۳۹۲). *هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی*، چ. پنجم، تهران: هیرومند.
- فریه، ر. دبلیو (۱۳۷۴). *هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فروزان.
- کریس، جان (۱۳۷۸). *ایران کهن*، ترجمه خشایار بهاری، تهران: کارنگ.
- گیرشمن، رمان (۱۳۴۶). *هنر ایران: در دوران هخامنشی و ماد*، ترجمه عیسی بهنام، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گیرشمن، رمان (۱۳۷۰). *هنر ایران: در دوران پارت و ساسانی*، ترجمه بهرام فره‌وشی، چ. دوم، تهران: علمی.
- گیرشمن، رمان (۱۳۸۱). *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی.
- گیوقصاب، عبدالناصر (۱۳۸۶). *مدخلی بر سبک‌های جواهرسازی*، تهران: قصیده.
- مرزبان، پرویز (۱۳۸۳). *خلاصه تاریخ هنر*، چ. دوازدهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- وزیری، علینقی (۱۳۸۰). *تاریخ عمومی هنرهای مصور*، تهران: هیرومند.
- ویلسن، ج. کریستی (۱۳۱۷). *تاریخ صنایع ایران*، ترجمه عبدالله فریار، تهران: فرهنگسرا.
- هرمان، جورجیا (۱۳۷۳). *تجدید هنر و تمدن در ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، تهران: بهنام.

- \_\_\_\_\_. (2002). *Iran from the Beginning to Islam, (Moeen, M. trans.) Tehran: Scientific and Cultural Publications* (Text in Persian)
- Ghivghasab, A. (2007). *An Introduction to Jewelry Styles*, Tehran: Ghaside. (Text in Persian)
- Marzban, P. (2004). *Summary of History of Art, (12th Ed.)*, Tehran: Scientific and Cultural (Text in Persian)
- Vaziri, A. (2001). *General History of Pictorial Arts*, Tehran: Hirmand (Text in Persian)
- Wilson, J. Ch. (1938). *History of Iranian Industries, (Faryar, A. trans.)* Tehran: Farhangsara (Text in Persian)
- Herman, G. (1994). *Renewal of Art and Civilization in Ancient Iran, (Behnam, I. trans.)*, Tehran: Behnam (Text in Persian)
- Hull, F.; Flannery, K.; Neely, J. (2019). *Prehistory and Human Ecology of Dehloran Plain, (Ra'isi, H.; Khanmoradi, A. trans.)*, Tehran: Mehrjard Publishing (Text in Persian)



# A Comparative Study of the Evolution of Iranian Jewelry in the Achaemenid and Parthian Periods <sup>1</sup>

Sepideh Yaghouti <sup>2</sup>  
Abolghasem Dadvar <sup>3</sup>

Received: 2016-05-18  
Accepted: 2017-09-23

## Abstract

Iran, with its rich mineral resources, natural attractions, wonderful artistic artefacts, and diverse cultures and thoughts has influenced the art and civilization in different historical periods and has always had a significant position in the world. On one hand, these natural resources, and Iran's ancient history and civilization on the other hand, have the context of producing-economic activities, the cause of social richness and cultural diversity in all periods. On the other hand, the connection between art and life has always been important throughout human history; Iran is no exception to this rule and is world famous for its various and brilliant arts. For more than two thousand years, the old and new civilized world has praised the Iranian talent for beauty.

In addition, Iranian art is based on decoration; In other words, the life history of different human societies in Iran and in the world in general cannot be separated from the history of its ornaments. The main purpose of this article is to present a good view of the evolution of jewelry in ancient Iran from the beginning of the Achaemenid era to the end of the Parthian era. Firstly, we study the different artistic and practical aspects of some of the valuable works discovered from the Achaemenid and Parthian periods, and then we discuss the similarities and differences in them using thematic adaptation and used forms. At the end, we talk about precious and practical stones in their art. The method used for data collection was library method. The research method is descriptive-analytical. The analysis of the data is done qualitatively. The findings indicated the similarities and differences of forms and role of the discovered valuable things, in particular the arrays and ornaments, which were so important in representing the influence of Iranian beliefs, myths and thoughts in different periods on each other and on other countries.

Although the remaining works of these periods have significant differences in terms of diversity and effect, due to technical skills, the balance among attractiveness and artistic taste, effects of colors, combination of paintings, artistic methods has been achieved. High understanding of Iranian artists in all eras indicates the rich culture of Iranian and their lovely artistic taste, especially decorative arts and jewelry making. Also, by comparing the objects left from the studied periods, ie Achaemenid and Parthian, according to their political and cultural situation, as well as the time sequence of these periods, we find similarities and differences, including the impact Culture and art are each according to their cultural structure. In the Achaemenid period, due to the richness of the state treasury and also the great attention to the kings and the glory of the court, their art is a reflection of their political principles and aristocratic moral concepts; However, in this age, many artists have created works of art with creative ideas from different lands; However, due to the orders of the kings and the lack of freedom of action in the work of art, they used a special method and style in creating works that can be called court style. Of course, in the flourishing of decorative art, the innumerable wealth of the Achaemenids played a major role that other sections of society were deprived of. This issue is evident in the Parthian government due to the influence of Greek culture and the spread of wealth among different segments of the population in the form of more use of ornaments and decorative elements in the relics and their sculptures and coins and the people's interest in decoration and Its adornment in this period is its manifestation.

The end result is that the influence of beliefs, myths and beliefs on jewelry reached its peak in the Achaemenid period; And after this period, in the Parthian period and after that, the forms and motifs of ornaments underwent changes in order to simplify and merely decorate these objects, which can be easily seen in a comparative comparison between Achaemenid and Parthian ornaments.

**Keywords:** Ancient Iran, Jewelry, Ornaments, Achaemenid, Parthian

<sup>1</sup> 10.22051/jjh.2017.9873.1106

<sup>2</sup> PhD in Art Research, Faculty of Arts, Al-Zahra University, Tehran, Iran. Email: [sep.yaghooti@gmail.com](mailto:sep.yaghooti@gmail.com)

<sup>3</sup> Professor, Department of Art Research, Faculty of Art, Al-Zahra University, Tehran, Iran. Email: [a.dadvar@alzahra.ac.ir](mailto:a.dadvar@alzahra.ac.ir)